



نقش زنان فرش باف در توسعه گردشگری روستایی

پریسا کفاشی عبداللهی^۱، وحید وزیری^۲، توحید حاتمی خانقاه^۳

دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده فنی، گروه معماری (Vaziri.vahid@gmail.com), (pa.abdollahi@yahoo.com),
(hatami.tohid@gmail.com)

چکیده

توسعه گردشگری روستایی صنعتی است که در ساختار خود اجزاء مختلفی دارد. زنان عناصری فعال در تمام عرصه‌های کار و فعالیت‌های روستایی هستند. زن روستایی خالق فرش دست‌باف است، کالایی هنری و صنعتی که در اکثر موارد به صورت ذهنی بافته می‌شود، اما امروزه این هنر سنتی با گسترش نقشه‌های آماده و دست‌چندم به وسیله واسطه‌ها و گارگاه‌های فرش‌بافی در حال فراموشی است. ذهنی‌بافی ریشه در هویت، ارزش‌های تاریخی و بومی هر منطقه دارد و سندی منقوش از وقایع زندگی روستایی است که از ذهن خلاق زن روستایی برآمده و بر تاروپود زمان گره می‌خورد. با خاموش شدن این اذهان خلاق در نقش‌پردازی فرش روستایی بخش بزرگی از فرهنگ بومی و محلی ایران‌زمین از دست خواهد رفت. این پژوهش که به روش مطالعه کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی تهیه شده است، تلاش می‌کند به بررسی نقش و جایگاه زنان فرش‌باف در توسعه گردشگری روستایی بپردازد و راهکارهای لازم را در خصوص تقویت حضور زنان در زندگی روستایی جهت توسعه فرش‌بافی و دستیابی به توسعه گردشگری روستایی ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: گردشگری روستایی، فرش دست‌باف، ذهنی‌بافی، زن روستایی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری.

۲- استادیار گروه معماری.

۳- استادیار گروه معماری.



۱- مقدمه

گردشگری روستایی، از اوایل دهه ۱۳۸۰ مورد توجه پژوهشگران حوزه مطالعات روستایی در ایران قرار گرفته (Rezvani & Bayat, ۲۰۱۳). گردشگری روستایی، یکی از راهبردهای توسعه روستایی است (Rogers, ۱۹۷۸)، و نقش مهمی در اشتغال‌زایی و خلق ارزش افزوده دارد و کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، سعی در استفاده بهینه از این صنعت دارند. صنعت مذکور در ساختار خود اجزاء مختلفی را در بر می‌گیرد و لازمه نقش‌آفرینی بهینه آن، کارکرد مؤثر اجزاء مذکور و برقراری ارتباط مناسب بین آنهاست. در غیر این صورت، گردشگری حتی می‌تواند سبب اثرات منفی اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی در سطح منطقه شود (Budeanu, ۲۰۰۹). یکی از تأثیرگذارترین اقشار در توسعه این صنعت، زنان روستایی هستند. زنان روستا به‌عنوان قشر فعال در تمام مناسبات و زندگی روستایی نقش پررنگی در پیشبرد اهداف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه روستایی دارند. فعالیت‌های اقتصادی زنان، یکی از مهم‌ترین موضوع‌های اقتصاد روستایی است. قالی‌بافی فعالیت است که اکثریت زنان چه در مناطق روستایی و چه در مناطق شهری در این زمینه فعالیت دارند و نقشی مهم در تولید این کالای صادراتی کشور برعهده دارند. در برخی از نقاط روستایی کشور که فعالیت‌های اقتصادی و کشاورزی نمی‌تواند نیاز مالی خانواده را تأمین کند، سهم عمده‌ای از درآمد خانواده از راه صنایع دستی و به‌ویژه بافت فرش دست‌باف می‌شود که بیش از ۹۰ درصد این‌گونه فعالیت‌ها به‌وسیله زنان و دختران روستایی انجام می‌شود (Hashemi, ۱۹۹۵). در میان تمام تولیدات روستایی، فرش دست‌باف یکی از کهن‌ترین و با سابقه‌ترین هنرهای روستایی است که علاوه بر درآمدزایی برای خانواده روستایی، بازگوکننده اعتقادات، باورها، اساطیر و مفاهیمی از این دست است. این مفاهیم در بستر فرش با نقوشی رنگین و زیبا با الهامات ذهنی نمود می‌یابند (جلیلیان و احمدپناه، ۱۳۹۶).

۲- سؤالات پژوهش

این پژوهش به دنبال پاسخ مناسب برای سؤالات زیر است:

۱. ضرورت گسترش صنایع دستی روستایی، به‌ویژه فرش دست‌باف در کارآفرینی زنان روستایی و توسعه پایدار اقتصادی در روستاهای ایران چیست؟
۲. راهکار ایجاد طراحی، ایده‌پردازی، خلاقیت و مدیریت تولید در صنایع دستی توسط زنان روستایی چگونه خواهد بود؟
۳. موارد فوق چگونه به توسعه پایدار گردشگری در روستاها منجر خواهند شد؟

۳- روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف بنیادی - کاربردی بوده و در گروه تحقیقات توصیفی - تحلیلی قرار دارد. روش گردآوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی و مطالعات میدانی است. از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌های نظری و برخی داده‌های مرتبط با سیر تحول و تغییرات گردشگری و تولید صنایع دستی استفاده شده است. بخش مطالعات میدانی شامل مشاهده و مصاحبه با مردان و زنان روستایی و کارآفرینان گردشگری است.



۴- اهمیت موضوع پژوهش

با توجه به اینکه عمده جمعیت فقیر جهان در مناطق و بافت‌های روستایی کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند، فقر یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوعات در حیطه توسعه روستایی محسوب می‌شود (جمعه‌پور، ۱۳۸۴: ۲۸). طبق پیش‌بینی سازمان جهانی گردشگری تا سال ۲۰۲۰ میلادی تعداد گردشگران جهان، به ۱/۶ میلیارد نفر خواهد رسید و بیش از ۵۰ درصد معضل اشتغال در کشورهای در حال توسعه از این طریق قابل حل است. از این رو، با توجه به جاذبه‌های طبیعی در مناطق روستایی، گسترش فعالیت‌های کارآفرینانه لازم و ضروری به نظر می‌رسد (Movahed, ۲۰۰۷). دست‌اندرکاران مسائل اجتماعی و اقتصادی بر این نکته اتفاق نظر دارند که توسعه باید از روستاها و به وسیله خود روستاییان آغاز شود، بنابراین در زمینه مسائل مربوط به زنان روستایی که نیمی از جمعیت روستاها را تشکیل می‌دهند و با توجه به عقب‌نگه‌داشته شدن این زحمت‌کشان کم توقع (بوذرجمه‌وری و همکاران، ۱۳۹۳)، پرداختن به زنان روستایی و تأثیر عملکرد آن‌ها در شکوفایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاها انکارناپذیر می‌نماید.

۵- پیشینه پژوهش

جدول ۱ - بررسی تعدادی از کتب منتشر شده در مورد گردشگری روستایی

نام پژوهشگر	سال انتشار	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
جولیا شارپل	ترجمه ۱۳۸۰	گردشگری روستایی	گردشگری روستایی را در تمامی ابعاد و با توجه به پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و زیست‌محیطی مورد بررسی قرار داده است و در ترسیم ماهیتی علمی از گردشگری روستایی فعالیت کرده است.
مجتبی قدیری و معصوم و همکاران	۱۳۸۹	گردشگری پایدار (روستایی و عشایری)	به بررسی گردشگری روستایی از دیدگاه‌های مختلف و همچنین به برنامه‌ریزی گردشگری روستایی پرداخته است.
محمد رضا رضوانی	۱۳۹۰	توسعه گردشگری روستایی با رویکرد گردشگری پایدار	به این موضوع پرداخته است که با توجه به سابقه و روند توسعه گردشگری در ایران، این نوع گردشگری هنوز در آغاز راه است و گردشگری روستایی در ایران در مجموع در مرحله اکتشاف قرار دارد.
محمد حسین پاپلی یزدی و مهدی سقایی	۱۳۹۰	گردشگری (ماهیت و مفاهیم)	به بررسی مفاهیم بنیادین و ضرورت‌های تئوریک گردشگری با رویکردی فلسفی پرداختند و ماهیت گردشگری را مدرنیته، پسامدرنیته و فراپسامدرن مورد بررسی قرار دارند.
صالحی فرد	۱۳۹۰	گردشگری روستایی	به این موضوع پرداخته است که تدوین برنامه‌ای منسجم، کارآمد و انعطاف‌پذیر در بخش گردشگری روستایی نیازمند آگاهی از مبانی نظری و ساختار تئوریک دانش برنامه‌ریزی است.

صنعت گردشگری روستایی موفق را مستلزم برنامه‌ریزی مناسب و برخورداری‌ها از مکان‌ها و جاذبه‌های روستایی است. احتمال موفقیت مزارع گردشگری نزدیک به مکان‌های گردشگری به مراتب بیشتر است.	گردشگری روستایی ایران	۱۳۹۱	کریمی، محبوب فر
درصد است تا به مدد بهره‌گیری از مطالعات و تجربیات خود در این حوزه و با بررسی نظریات و مدل‌هایی که تا کنون پیرامون گردشگری ارائه شده است، طبقه‌بندی نسبتاً جامعی از انواع گردشگری ارائه دهد به گونه‌ای که حتی المقدور تمام انواع گردشگری را پوشش داده و الگویی برای مطالعه پیرامون گونه‌شناسی گردشگری قرار گیرد.	گونه‌های گردشگری	۱۳۹۳	رحیم یعقوب‌زاده
با گسترش گردشگری روستایی، امکان انجام فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد مشاغل گوناگون در مناطق روستایی فراهم می‌شود، این فرصت‌های شغلی بیشتر جنبه خدماتی دارند و ممکن است به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به‌وجود آیند که از آن جمله: حمل‌ونقل، هتل‌داری، خدمات مشاوره‌ای و راهنمایی، سازماندهی و بازاریابی و تولیدات صنایع دستی و روستایی.	توسعه پایدار و توریسم روستایی	۱۳۸۱	شریف‌زاده و مرادزادی
به بررسی تأثیر توسعه گردشگری بر توسعه روستایی پرداخته و گردشگری را یک عامل اقتصادی عمده و بسیار مؤثر دانسته‌اند که در سال‌های اخیر، مورد توجه قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که گردشگری می‌تواند اثرات گوناگون بر توسعه داشته باشد که از آن جمله است: ایجاد مشاغل گوناگون و نیز گستردگی زمینه اشتغال در گردشگری، به گونه‌ای که همه کارگران ساده و بدون مهارت و همچنین، همه صاحبان مهارت‌های گوناگون می‌توانند در این رشته شاغل شوند.	توریسم و توسعه روستایی در ایران	۱۳۸۲	مراد نژادی و نظری
چرایی لزوم توجه به گردشگری روستایی در کشور با توجه به پتانسیل‌های موجود و از سوی دیگر وجود برخی موانع گسترش جنبه‌های مختلف صنعت گردشگری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.	چیستی و چرایی گردشگری روستایی	۱۳۸۴	پویان شهبان
این پژوهش با هدف تدوین الگوی راهبردی مناسب برای توسعه گردشگری در روستاهای منطقه مورد مطالعه انجام شده است. سؤال اساسی این پژوهش این است که الگوی راهبردی مناسب برای توسعه گردشگری که به توسعه پایدار روستایی منجر شود، کدام است.	ارائه الگوی برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری پایدار روستایی	۱۳۸۶	افتخاری و همکاران
استان سمنان از سکونت‌گاه‌های روستایی متنوع و جاذبه‌های گردشگری زیادی برخوردار است. در این تحقیق، روستاهایی که پتانسیل‌های گردشگری بیشتری برخوردارند و همچنین سازمان‌های متولی گردشگری مورد بررسی قرار گرفته است.	مدیریت گردشگری روستایی و نقش آن در توسعه روستایی	۱۳۸۹	سید علیپور
این پژوهش با هدف تدوین الگوی راهبردی مناسب برای توسعه گردشگری در روستاهای منطقه مورد مطالعه انجام شده است. سؤال اساسی این پژوهش	ارائه الگوی برنامه‌ریزی راهبردی	۱۳۹۲	افتخاری و همکاران

این است که الگوی راهبردی مناسب برای توسعه گردشگری که به توسعه پایدار روستایی منجر شود، کدام است.	توسعه گردشگری پایدار روستایی		
به بررسی دیدگاه‌ها و نظریات موجود در متون مختلف در سطح جهان در مورد توریسم، توسعه روستایی و توسعه روستایی پایدار و تحقیقات انجام شده در باره اثرات مختلف توریسم بر سکونتگاه‌های روستایی در کشورهای مختلف به روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای می‌پردازد و در نهایت ابعاد این تأثیرات بر توسعه روستایی بررسی می‌نماید. وی معتقد است که با توجه به ویژگی‌ها و امکانات کشور و هر منطقه روستایی می‌توان یکی از نگرش‌ها و ترکیبی از آن‌ها را استفاده کرد و همچنین با توجه به تنوع زیستگاه‌های کشور و به رغم مشترک بودن مسائل و مشکلات، مانند: بیکاری، مهاجرت، کمبود درآمد و... نمی‌توان راه حل واحدی برای رفع آن‌ها ارائه کرد و برای هر منطقه روستایی می‌باید مطابق با ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی و شرایط اکولوژیکی آن منطقه، نوع و نحوه توسعه توریسم را انتخاب کرد.	گردشگری و توسعه روستایی پایدار	۱۳۸۲	اسماعیل قادری

جدول ۲- بررسی تعدادی از مقالات منتشر شده در مورد گردشگری روستایی

نتایج پژوهش	عنوان پژوهش	سال انتشار	نام پژوهشگر
افزایش سطح تحصیلات، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی جامعه در خصوص اشتغال زنان از عوامل مؤثر بر فرآیند توانمندسازی زنان هستند.	توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه	۱۳۸۲	کتابی و همکاران
مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توانمندسازی اقتصادی زنان را مشارکت اقتصادی، انسجام خانوادگی و آگاهی اجتماعی عنوان کرد.	بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی	۱۳۸۹	کلانتری و همکاران
طی مطالعه‌ای نشان داد که سطح تحصیلات و وضعیت تأهل با توانمندی زنان مورد مطالعه ارتباط معنادار و قابل تأملی نداشته است، اما امکانات و تجهیزات قالی بافی و مکان ارائه شده به افراد برای قالی بافی، توانسته بر توانمندی زنان و دختران روستایی تأثیر مثبت داشته باشد.	بررسی اثرات برنامه‌های اتحادیه فرش بافان شهرستان جوانرود بر توانمندسازی زنان روستایی	۱۳۸۹	مرادی

در مطالعه خود، توانمندی اقتصادی را با متغیرهای کسب یا افزایش درآمد، توانایی بازپرداخت وام و قدرت پس انداز کردن و توانمندی اجتماعی را با متغیرهای تغییر نگرش نسبت به نقش زنان، مشارکت در امور اجتماعی، جمع‌گرایی و تمایل به حضور در فضاهای عمومی سنجیده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بیشترین میزان توانمندی در بُعد روانی و کمترین میزان در بُعد اقتصادی است، همچنین بین وام خود اشتغالی و خدمات آموزشی دریافت‌شده و توانمندی کلی زنان رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد.	مؤلفه‌های توانمندسازی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها	۱۳۸۶	شکوری و همکاران
---	---	------	-----------------

۶- توسعه گردشگری روستایی

گردشگری روستایی، به‌عنوان یکی از راهبردهای توسعه روستایی (Rogers, ۱۹۷۸)، از نیمه دوم قرن بیستم به‌صورت رسمی در ادبیات توسعه روستایی وارد شد (Khani et al, ۲۰۱۴) و با توسعه مفاهیم سفر و اوقات فراغت در مکان‌های روستایی و سرمایه‌گذاری نهادهای دولتی و خصوصی توسعه پیدا کرد (جلالیان و همکاران، ۱۳۹۷).

امروزه این مسئله آشکار شده که لازمه رسیدن به توسعه، توجه به روستاها و بخش روستایی به‌عنوان بخش پایه است، درحالی‌که متخصصان تلاش کرده‌اند تا شرایط روستایی را از طریق رویکردهایی مانند: بهبود حاصل‌خیزی خاک، اصلاحات ارضی و فناوری پیشرفته بهبود بخشند، رویکردهای توسعه سنتی که عمدتاً بر مسائل اقتصادی تمرکز داشتند، در کاهش فقر روستایی موفقیت چندانی به‌دنبال نداشته‌اند (جمعه‌پور، ۱۳۸۴: ۲۸). از این رو، برای توسعه روستایی به فعالیت‌ها و رویکردهای جدیدی که پایدار و جامع باشند نیاز است (سیر و همکاران، ۱۳۹۶). لازمه توسعه گردشگری روستایی، توسعه توانمندی‌ها و استعدادها در منطقه روستایی است. این نوع توسعه فرآیند کشف فرصت‌ها و منابع بومی و بازخوانی فرهنگ و سنن در یک بافت روستایی است.

در جهان پرتلاطم کنونی، روستاها به کانون تردد انسان‌هایی بدل شده‌اند که برای فرار از زندگی پرهیاهوی شهری و زندگی ماشینی به روستاها سفر می‌کنند. امروزه با توجه به دامنه تقاضا و نیازهای محیط‌های روستایی، گردشگری روستایی رو به توسعه است و روزبه‌روز بر اهمیت و جاذبه خاص آن افزوده می‌شود (منشی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۶). با توجه به گسترش مراجعه گردشگران به محیط‌های روستایی، تأمین آسایش و امنیت آن‌ها با بهترین امکانات روز می‌تواند زمینه را برای جذب گردشگران افزایش دهد؛ اما حضور گردشگر مدرن امروز در یک منطقه روستایی به‌منظور دستیابی به آخرین تکنولوژی روز یا امکانات ویژه شهری نیست. بازگشت به طبیعت و مناطق بکر، فرهنگ اصیل یک بافت روستایی، هنر، معماری بومی و صنایع دستی، چرخه اقتصادی و مناسبات اجتماعی در جامعه روستایی جاذبه‌های واقعی در مناطق روستایی محسوب می‌شوند. زن روستایی، بخش بزرگی از چرخه مناسبات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را در جامعه روستایی مدیریت می‌کند.

در فرآیند برنامه‌ریزی منطقه‌ای، می‌توان گردشگری روستایی را ابزاری برای افزایش اشتغال محلی و بهبود کیفیت زندگی و در نتیجه، افزایش سطح رفاه اقتصادی و امکانات اجتماعی منطقه‌ای به حساب آورد و زنان به‌عنوان نیروهای کاری در تولید صنایع روستایی نقش مهمی را ایفا می‌نمایند (منشی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۶). برنامه‌ریزی گردشگری باید در سطح ملی و منطقه‌ای

صورت بگیرد تا از این رهگذر، سیاست‌های توسعه گردشگری، طرح‌های مربوط به ساختار، معیارها و استانداردهای ملی، امکانات، عوامل نهادی و دیگر عناصر ضروری برای توسعه و مدیریت گردشگری و صنایع دستی مد نظر قرار گیرد. از این رو، در چارچوب برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای، تهیه برنامه‌های تفصیلی‌تر برای جاذبه‌های گردشگری، گردشگاه‌ها، شهرها و روستاها و سایر اقسام گسترش صنایع روستایی و صنایع دستی میسر است (سازمان جهانی گردشگری، ۱۳۷۹: ۱۴).

۷- توسعه پایدار و زن روستایی

توسعه پایدار، توسعه‌ای انسان محور تعریف شده که موجب بیشترین تغییر مثبت و ماندگار در افراد جامعه می‌شود. فراگیری این تغییرات در همه قشرهای اجتماعی و درگیرکردن تمامی افراد و گروه‌ها در فرآیند توسعه، مهم‌ترین وجه تمایز توسعه پایدار از تعاریف پیشین توسعه به‌شمار می‌رود. در واقع شرط تحقق توسعه پایدار حضور و مشارکت واقعی و فعال زنان در کنار مردان در فرآیند توسعه است، اما بی‌تردید حضور و مشارکت واقعی زنان در گرو توانمندی آنهاست و توانمندسازی زنان مقدمه‌ای لازم برای حضور آنها در جریان توسعه است (خلوتی، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

زنان در اقتصاد روستایی ایران نقش محوری و کلیدی بر عهده دارند. آنها به‌عنوان عناصر نامرئی، بخشی عظیمی از نیروی انسانی شاغل در اقتصاد را تشکیل می‌دهند. با وجود ارزش و اعتبار کار و فعالیت آنها برای خانوار و اقتصاد جامعه، از نظر اجتماعی یا اصولاً در مقاطع تصمیم‌گیری به‌هیچ‌وجه نقشی متناسب با این فعالیت‌ها نداشته‌اند و بدون هیچ شبه‌ای باید آنها را در زمره محروم‌ترین اقشار جامعه به‌شمار آورد (Amini & Ahmadi Shaporabadi, 2009). درحالی‌که زنان در گستره جهانی نقش عمده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی دارند، اما فعالیت اقتصادی آنان در کشورهای درحال توسعه و از همه مهم‌تر در نواحی روستایی این جوامع شکل متفاوتی دارد. این فعالیت‌ها عمدتاً سنتی است و در داخل خانه انجام می‌شود و جنبه تولیدی داشته و در افزایش درآمد خانوار تأثیر بسزایی دارد (نوری و علی محمدی، ۱۳۸۸: ۸۸).

در مباحث پیرامون توسعه روستایی، زنان از دید برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به‌عنوان یکی از گروه‌های هدف مورد نظر بوده و توانمندسازی آنان و زمینه‌های جلب مشارکت‌شان به‌عنوان بخش عظیمی از نیروهای انسانی ساکن روستاها از رئوس برنامه‌های مورد نظر سازمان‌های توسعه در کشورهای مختلف است (غنیان، ۱۳۷۵: ۵۴). باوجود کم‌رنگ بودن حضور زنان روستایی در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی، انتظار توسعه جامعه روستایی، انتظاری محال خواهد بود. پس فراهم ساختن زمینه‌های حضور و مشارکت فعال اجتماعی برای زنان و اهتمام به مقوله مهم توانمندسازی، از راهبردهای اساسی توسعه روستایی به‌شمار می‌رود (زرافشانی، ۱۳۸۷: ۱۰۹). توانمندسازی زنان یکی از اهداف توسعه انسانی است که به معنای افزایش شناخت، خودآگاهی، قابلیت اعتماد و گسترش آزادی انتخاب زنان از سوی خودشان است (بوذرجمه‌وری و همکاران، ۱۳۹۳).

تا قبل از دهه ۱۹۵۰ به صنایع کوچک و روستایی توجه چندانی نمی‌شد، اما در دهه ۵۰ بسیاری از کشورهای درحال توسعه برای مقابله با بیکاری و فقر، برنامه‌ریزی وسیعی را برای گسترش این صنایع به عمل آوردند و به آموزش روستاییان به‌خصوص زنان پرداختند؛ ولی باوجود توجه کشورهای درحال توسعه طی چند دهه گذشته به صنایع روستایی، هنوز هم بعضی از این کشورها در مورد صنعتی‌سازی روستاها و شناخت‌شناسی مفهوم صنایع روستایی با چالش مواجه هستند. ایران نیز پس از انقلاب

اسلامی و طی دو دهه گذشته از طریق وزارت جهاد سازندگی، مقوله صنایع روستایی را بیش از گذشته با ترسیم اهداف زیر مورد توجه قرار داده است:

الف) کمک به عمران و توسعه پایدار روستاها برای بهبود وضع اقتصادی، اجتماعی روستائیان از طریق آموزش مهارت‌های صنایع دستی به زنان از طریق:

۱. جلب مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری برای ایجاد و توسعه صنایع روستایی (تبدیلی، کوچک و دستی)؛
۲. فراهم کردن زمینه‌های اشتغال زنان و افزایش درآمد برای روستائیان و تحقق عدالت اجتماع؛
۳. زمینه‌سازی برای بهره‌برداری بهینه از امکانات و قابلیت‌های مناطق روستایی برای تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی زنان در این مناطق؛
۴. ارتقای دانش فنی و مهارت زنان روستایی و افزایش بهره‌وری نیروی کار ایشان؛
۵. پشتیبانی از فعالیت‌های بخش کشاورزی و صنایع وابسته و مشارکت بیشتر زنان در این بخش (پاکزاد، ۱۳۹۴).

۸- فرش دست‌باف و زن روستایی

فرش دست‌باف ایران، این صنعت پرسابقه بومی و ملی، از جمله کسب و کارهای محلی و منطقه‌ای است که از زمان‌های دور تا کنون جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ و اقتصاد کشور ایران داشته است. این صنعت از لحاظ اشتغال، به‌ویژه در مناطق روستایی و صادرات غیرنفتی جایگاه مهمی دارد و بخش قابل توجهی از تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد. فرش دست‌باف ایرانی به منزله نماد فرهنگ و هنر ایرانی و با سابقه چندین هزارساله به واسطه ویژگی‌های خاص در تولید، کیفیت طراحی، عامل بالقوه شغل آفرینی و وارد کردن ارز خارجی، اهمیت و جایگاهی استراتژیک در بین صادرات غیرنفتی ایران دارد (Amiri, 2012: 243, aghdaie & Zare Zardeini), با این حال، در طول چند سال گذشته سهم ایران از بازار جهانی فرش دست‌باف با کاهش روبه‌رو بوده است.

تعریف فرش روستایی در فرهنگ جامع فرش: «این‌گونه زیراندازها با وجود تنوعی که در طرح و رنگ دارد عموماً ساده و با خطوط هندسی و شکسته و طرح و نقشی ذهنی و بدون تدوین مقدمات بافته می‌شود. زیبایی طبیعی، استحکام، اصالت طرح و نقش، ارزانی قیمت، مزایای فرش‌های روستایی عشایری است».

فرش دست‌باف روستایی یکی از منابع مهم درآمد خانوارهای روستایی در مناطق مختلف کشور است. این نوع فرش در اکثر موارد به‌صورت ذهنی‌باف و به‌وسیله زنان روستایی هر منطقه با توجه به پیشینه فرهنگی آن منطقه بافته می‌شود (احمدی‌فرد و کرمی دهکردی، ۱۳۹۵). همچنین فرش‌های روستایی ایران منابع مهمی برای مطالعه هنر و فرهنگ روستایی ایران به‌شمار می‌روند و مهم‌ترین عرصه بروز ذوقیات به‌ویژه زنان و دختران روستایی ایران است. حضور وجوه مشترک در عناصر بصری، حاکی از روح حاکم بر این آثار، تحت تأثیر معاشرت با طبیعت و درس‌های آموخته از آن است؛ همچنین امکانات موجود

روستایی در وجه مادی بیشترین اثر را در شکل‌دهی ساختار طرح و بافت داراست. تطابق مناسب فرش‌های روستایی با کاربردها و معماری سنتی روستایی ایران نیز قابل تحسین است (حاج‌محمد حسینی و آیت‌اللهی، ۱۳۸۴).

فرش‌بافی روستایی بنا به سنت بر عهده زنان بوده و به همراه سایر وظایف، فرصتی را نیز به قالی‌بافی و نیز آموزش آن به فرزندان خود اختصاص می‌دهند. علاوه بر کیفیت اقتصادی خود، در جوامع روستایی به‌عنوان یک هنر مایه تفاخر و مباهات دختران روستایی بوده و بافتن قالی سهم بسزایی در منزلت زن و خانواده او در ازدواج داشته و بخش اعظم (حداقل در سالیان پیش از این) جهیزیه و همچنین منبع درآمد برای شوهر به‌شمار می‌آید. معمولاً زنان به‌طور روزانه و مداوم به قالی‌بافی نمی‌پردازند، بلکه به‌طور فصلی، یعنی زمانی که خانواده فارغ از امور کشاورزی است (معمولاً زمستان‌ها) یا در زمان فراغت در کنار سایر فعالیت‌های خانه‌داری بدان اشتغال دارند (حاج‌محمد حسینی و آیت‌اللهی، ۱۳۸۴). در باب ارزش و اهمیت قالی‌بافی نزد روستاییان می‌توان به تأکیدی که بر روی سنگ قبرهای زنان روستایی شامل حجاری لوازم بافندگی آنان (همچون دار قالی، شانه و قیچی) به‌عمل آمده توجه کرد (حاج‌محمد حسینی و آیت‌اللهی، ۱۳۸۴).

طرح و نقش از ارکان اصلی تولید فرش است و ارزش مادی و معنوی آن بر اساس این آرایه‌ها سنجیده می‌شود. استفاده از نقشه‌های نوآورانه و برخاسته از ذهن و استعداد قالی‌باف در تولید و بهره‌وری و جذب بیشتر مخاطب و گردشگر تأثیر مستقیم خواهد داشت. نقش، بن‌مایه و خصبه هنرهای دستی و به‌ویژه فرش روستایی است. این خصبه از میان ذهن بافنده بر تاروپود فرش در قالب طرح‌های انتزاعی و تجریدی نمود می‌یابد و علاوه بر زیبایی دارای کارکرد هست. این نقوش بیانگر نمادها، نشانه‌ها و باورها هستند. ریشه شکل‌گیری نقوش فرش روستایی عوامل اجتماعی، تاریخی، آیین‌ها و اسطوره‌ها و در برخی موارد روایت اتفاقات روزمره زندگی روستایی و برگرفته از محیط زیست و داستان‌های ذهنی بافنده است.

از آنجا که اصلی‌ترین نمودهای تصویری فرش ایران را در حوزه عشایری و روستایی می‌توان یافت (حاج‌محمد حسینی و آیت‌اللهی، ۱۳۸۴) و با توجه به اینکه نقشه و آرایه از ارکان اساسی تولید فرش هستند، تأمین و استفاده از نقشه‌های نوآورانه و تقاضامحور از جمله مسائل مهمی است که بافندگان فرش با آن روبه‌رو هستند و در تولید، بهره‌وری و درآمد آن‌ها تأثیرگذار است (احمدی فرد و کرمی دهکردی، ۱۳۹۵)؛ بنابراین طرح و نقشه در بازاریابی و فروش فرش، با توجه به نقش کلیدی فرش در تأمین معیشت خانوارهای روستایی، اهمیت بسیاری دارد. اگر محصول تولیدی مطابق سلیقه و نیاز مشتری باشد، تقاضا نسبت به آن افزایش می‌یابد و سبب توسعه بازار محصول می‌شود. استفاده از خلاقیت در طرح فرش سبب افزایش استقبال مصرف‌کنندگان و توسعه مصرف فرش دست‌باف می‌شود.

امروزه بافندگان فرش به دو شیوه تولید خویش‌فرمایی و کارفرمایی به تولید فرش می‌پردازند. در تولید خویش‌فرمایی فرش در خانه و به‌وسیله بافندگان خانگی صورت می‌گیرد. عمدتاً اعضای خانواده در بافت فرش مشارکت دارند. شیوه خانگی خود به دو دسته قابل تقسیم است: الف) تولید مستقل به معنای آنکه بافنده، صاحب سرمایه تولید (ابزار و مواد) بوده و مشخصات محصول را به میل خود تعیین کرده، مختار است محصول را بفروشد یا نفروشد؛ ب) تولید غیر مستقل بدین معنا که سرمایه تولید به‌وسیله دیگری تأمین شده و مشخصات محصول به بافنده دیکته می‌شود و بافنده در عوض بافت، یا دستمزد دریافت می‌کند یا در سود حاصل از تولید سهم می‌شود که روش اخیر در دوره‌های معاصر بیشتر رایج است. طی دهه گذشته با پشتیبانی دولت و گسترش تعاونی‌های فرش دست‌باف روستایی، سرمایه لازم برای تولید به صورت وام در اختیار بافندگان روستایی قرار گرفته

و پس از تولید در صورت تمایل، بافندگان از طریق تعاونی مبادرت به فروش تولیدات خود کنند. در شیوه کارفرمایی یا کارگاهی، کارفرما سرمایه تولید را تأمین نموده، لوازم، مواد و نقشه را در محل ویژه‌ای به نام «کارگاه» مستقر می‌کند و بافنده در ازاء دستمزد به کار بافت فرش می‌پردازد (حاج محمد حسینی و آیت‌اللهی، ۱۳۸۴)، اما آنچه در هر دو شیوه متفاوت از گذشته صورت می‌گیرد نحوه دسترسی بافندگان به نقشه است. در گذشته بافت فرش روستایی به صورت ذهنی باف بود و این نقشه‌های ذهنی نوعی بازآفرینی سنتی است که از نسل‌های پیشین به امروزیان رسیده است. بافندگان همان نقوش را تکرار می‌کنند، بدون آنکه از نقشه استفاده کنند. از این رو، معمولاً هیچ دو فرشی کاملاً و عیناً شبیه یکدیگر نیست. و این سنت به صورت شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد که طرح‌های آن‌ها دارای رنگ‌آمیزی و طراوت خاصی است، اما در سال‌های اخیر بافندگان به بافتن فرش برای فروش و به سلیقه مصرف‌کنندگان روی آورده‌اند و معمولاً نقشه‌ها را عده‌ای واسط یا دلال به مردمان روستا دیکته می‌کنند. ذهنی‌بافی در بسیاری از بافته‌های ایرانی، به ویژه بافته‌های کهن امری رایج بوده که امروزه با نقشه‌های تکراری و گاه با کیفیت کمتری جایگزین شده است.

۹- نتیجه‌گیری

توسعه پایدار و جامع زمانی به منصفه ظهور می‌رسد که زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت مورد توجه قرار گیرند. به عبارتی، زنان، یاریگران فعال و خستگی‌ناپذیر اقتصاد داخلی هر کشور، به‌خصوص در حوزه‌های روستایی‌اند. آنان فعالیت می‌کنند و می‌سازند، توانمندی‌های حرفه‌ای خود را به کار می‌گیرند و در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی زندگی نیز بسیار اثربخش‌اند. این در حالی است که علی‌رغم این ارزش‌ها، اغلب مشارکت آنان را به دیده حقارت نگرسته شده و ناچیز می‌شمارند. در واقع، در امر توسعه پایدار، زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت هر مکان، نقش بسیار حساس و مهمی را در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و محیطی به عهده دارند. از این رو، آنان همواره مد نظر برنامه‌ریزان بوده و از نظر برنامه‌ریزان توسعه، بین زنان و مردان تفاوتی وجود نداشته، بلکه در بسیاری از جهات نقش زنان حساس‌تر و مهم‌تر نیز جلوه می‌کند (رحیمی، ۱۳۸۰).

با وجود اینکه زنان در عمده فعالیت‌های جامعه روستایی حضوری فعال دارند، اما نقشی که ایفا می‌کنند از لحاظ اجتماعی و اقتصادی نامرئی است (قلی‌زاده، ۱۳۷۸:۳۲) نادیده گرفتن این نیروی عظیم در برنامه‌ریزی‌های کلان دولتی و همچنین برنامه‌های محلی و روستایی باعث می‌شود که راه تحقق به اهداف دور و دست‌نیافتنی باشد؛ از سویی دیگر نادیده گرفتن زنان روستایی باعث می‌شود ارزش‌ها، توانایی‌ها، ابتکارعمل و خلاقیت زنان کمتر دیده شده و کمتر شکوفا شود. در این روند، نیمی از نیروی انسانی جامعه روستایی نامرئی باقی می‌ماند و در این مورد خاص، این نیمه پنهان بافندگان اصلی فرش در جامعه روستایی هستند. با فراهم کردن زمینه‌های حضور زنان روستایی در روند توسعه روستا گام بلندی برداشته خواهد شد. گسترش صنایع دستی روستایی، به ویژه فرش دست‌باف در کارآفرینی زنان روستایی و توسعه پایدار اقتصادی در روستاهای ایران نقشی ضروری دارد و مشارکت فعال و توانمند زنان می‌تواند زمینه‌های مناسب برای رونق بازار داخلی و خارجی به منظور تولید و احیاء صنایع دستی و هنرهای سنتی روستایی را فراهم آورد.

ایجاد امکانات لازم جهت آموزش زنان، خودآگاهی و شناخت بیشتر، امکان انجام کار و توانمندی اقتصادی، شکوفایی ذهن و خلاقیت به زنان روستا امکان خواهد داد تا بیشتر خود و جایگاه خود را درک کنند؛ با نگاهی دوباره به طبیعت، طرحی

نو دراندازند بر تاروپود بافته‌های‌شان که آن طرح و نقش که از دلی آگاه و ذهنی باز سرچشمه گیرد، بدون تردید بر دل خواهد نشست و چنان‌که ذکر شد، مهم‌ترین عامل فروش در فرش و ایجاد زمینه برای صادرات یا جذب گردشگر نقش و طرح آن است.

۱۰- مراجع

- احمدی‌فرد، الهام و کرمی دهکردی، اسماعیل، (۱۳۹۵)، «دسترسی بافندگان فرش روستایی به نقشه فرش ابریشمی: مطالعه موردی در شهرستان زنجان، گلجام»، *دوفصلنامه علمی- پژوهشی انجمن علمی فرش ایران*، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
- بوذرجمهری، خدیجه؛ قاسمی، مریم؛ شجاعی‌مقدم، الهام، (۱۳۹۳)، «بررسی اثر شرکت‌های تعاونی روستایی زنان در توانمندسازی اجتماعی اعضاء»، *همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی، مشهد، مهرماه*.
- پاکزاد، زهرا، (۱۳۹۵)، «نقش صنایع دستی در کارآفرینی زنان و توسعه اقتصادی»، *جلوه هنر*، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
- جلیلیان، نعیمه و احمدپناه، ابوتراب، (۱۳۹۶)، «تأثیر باورهای دینی و اسطوره‌ای بر فرش‌های روستایی باف همدان»، *دانشکده هنر دانشگاه سمنان*.
- حاج محمدحسینی، همایون و آیت‌اللهی، حبیب‌اله، (۱۳۹۵)، «زیباشناسی فرش‌های روستایی ایران، گلجام»، *دوفصلنامه علمی- پژوهشی، انجمن علمی فرش ایران*، شماره یک، زمستان ۱۳۸۴.
- سازمان جهانی گردشگری، (۱۳۷۹)، «برنامه‌ریزی توریسم در سطح ملی و منطقه‌ای»، محمود عبدالله‌زاده، تهران، پژوهش‌های فرهنگی.
- رضا، سیر؛ احمدیان، محمدعلی؛ جعفری، حمید؛ علیزاده، کنایون، (۱۳۹۶)، «نقش گردشگری در اشتغال‌زایی مناطق روستایی (مطالعه موردی: شهرستان فیروزکوه)»، *جغرافیا (فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)*، دوره جدید، سال پانزدهم، شماره ۵۵، زمستان ۱۳۹۶.
- حیدری چپانه، رحیم، (۱۳۸۳)، «ارزیابی برنامه‌ریزی صنعت توریسم در ایران»، *پایان‌نامه دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی*.
- جلالیان، حمید؛ رضوانی، محمدرضا؛ طهماسبی، اصغر؛ اروجی، حسن، (۱۳۹۷)، «تبیین مدل توسعه سیستم گردشگری روستایی با استفاده از نظریه آشوب و مدل باتلر (مورد مطالعه: روستای مصر، شهرستان خور و بیابانک)»، *فصلنامه پژوهش‌های روستایی، تابستان ۱۳۹۷، دوره ۹، شماره ۲*.
- خلوتی، ملیحه، (۱۳۸۸)، «بررسی میزان توانمندی زنان خانه‌دار و عوامل مؤثر بر آن در شهر شیراز ۱۳۸۶»، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، ۲(۴): ۱۷۱-۱۵۳.



- دانشگر، احمد، (۱۳۷۶)، فرهنگ جامع فرش یادواره (دانشنامه ایران)، چ اول، بی‌جا، سازمان چاپ و انتشارات یادواره اسدی.
- رحیمی، حسین، (۱۳۸۰)، «نقش توانمندسازی مالی زنان در توسعه پایدار روستایی»، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی و عشایر، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی، صص ۳۳۳-۳۱۹.
- زرافشانی، کیومرث و همکاران، (۱۳۸۷)، «تبیین مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی- ترویجی»، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۷.
- غنیان، منصور و زرافشانی، کیومرث، (۱۳۷۵)، «بررسی فعالیت‌های ترویجی کشورهای مختلف در زمینه حفظ و احیاء جنگل‌ها»، مجموعه مقالات اولین سمینار منابع طبیعی، امور دام و آبزیان.
- قلی‌زاده، آذر، (۱۳۷۸)، «بررسی علل نادیده گرفتن زنان روستایی در فرآیند توسعه روستایی»، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه وابسته به وزارت کشور، تهران، سال هفتم، شماره ۲۷.
- منشی‌زاده، رحمت‌الله، (۱۳۸۴)، اندر مقوله گردشگری، تهران: پیام مؤلف.
- نوری، سیده‌هدایت‌الله و علی محمدی، نرگس، (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر فعالیت‌های اقتصادی زنان روستا (مطالعه موردی: منطقه برآن شهرستان اصفهان)»، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۰(۲): ۱۰۴-۸۷.
- هاشمی، مریم، (۱۳۷۴)، «نقش اقتصادی اجتماعی زنان روستایی قالی‌باف»، فصلنامه مرکز مطالعات برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی، ویژه‌نامه زنان در کشاورزی، سال سوم.

- Amini, A.M., & Ahmadi Shaporabadi, M.A., (۲۰۰۹), an Evaluation of Economic Self-Reliance of Rural Women and Delineation of Related Economic Factors, Women Research, ۷(۴), pp ۷-۲۹. (persian).
- Amiri aghdaie, S.F. & Zare Zardeini, h. (۲۰۱۲). A SWOT Analysis of Persian Handmade Carpet Exports. International Journal of Business and Management, ۷(۲), ۲۴۳-۲۵۱.
- Bayat, N., Badri, S. A., Rezvani, M. R. & Faraji Sabokbar, H. A. (۲۰۱۳). Meta-analysis on rural tourism studies in Iran: A QMethodology research. Journal of Research & Rural Planning, ۳(۷), pp. ۸۵-۹۹. (In Persian)
- Budeanu, A. (۲۰۰۹). Environmental supply chain management in tourism: The case of large tour operators. Journal of Cleaner Production, ۱۷(۱۶), ۱۳۸۵-۱۳۹۲.
- Hashemi, M., (۱۹۹۵), Socio-economic role of rural Carpet woven women, Journal Planning Center of Agricultural Economics Special Issue: Women in Agriculture, ۳. (persian).
- Heneghan (۲۰۰۵) Maria, Structure and processes in Rural Tourism, Athenry: Rural Development Centre.
- Khani, F., Khosravi mehr, H., Tourani, A. (۲۰۱۴). Measuring of rural tourism capabilities based on elimination economic challenges, case study: Ghaleh ghafeh village, Minoudasht county, rural researches. ۵ (۱), ۱۹۱-۲۱۲
- Movahed, A. (۲۰۰۷). [Urban Tourism (Persian)]. Shahid Chamran University Press, Ahvaz First Printing, Ahvaz.
- Rogers, D. (۱۹۷۸). Industrialization, Income Benefits and the Rural Community. Rural Sociology, ۴۳ (۳), ۲۵۰-۲۶۵